

سیر اخلاق در جنبش‌های نوپدید دینی

وهاب مشهدیان عطاش^۱

چکیده

اخلاق در ادیان الهی، به‌ویژه دین مبین اسلام، مجموعه آموزه‌هایی است که راه و رسم چگونه زیستن را به نحو شایسته و صحیح تبیین می‌کند. اما در نظرگاه غربی و سکولار، اخلاق به معنای قانونی تلقی شده که تنها مربوط به زندگی اجتماعی و حقوق افراد و جوامع انسانی است.

در این نوشتار سعی شده است مؤلفه‌های اخلاقی در مکاتب و ادیان نوپدید مورد سنجش قرار گرفته و در نهایت اثبات شود که: ۱- در این جنبش‌ها عموماً اخلاق چه به معنای سکولار و چه غیر آن رعایت نمی‌شود؛ ۲- مکاتب عرفانی نوپدید، برخلاف ادعایشان، فاقد ارزش‌های اخلاقی هستند.

۱- نویسنده و پژوهشگر، طلبه‌ی درس خارج حوزه‌ی علمیه‌ی قم، دانشجوی رشته‌ی فلسفه‌ی دانشگاه.

واژه‌های کلیدی

اخلاق، اخلاق سکولار، عرفان واژه‌های نوظهور، اکنکار،^۱ اوشو،^۲ کریشنا مورتی،^۳ شیطان پرستی.^۴

مقدمه

بر اساس تعاریف موجود، نمی‌توان معنایی واحد برای دین پیدا کرد که جامع افراد و مانع اغیار باشد. شاید هیچ کلمه‌ی دیگری غیر از دین نباشد که در عین استعمال زیاد، نگرش افراد درباره‌ی آن، این مقدار متفاوت و غیر قابل جمع باشد.^۵

عده‌ای کلمه‌ی دین را از دیانت می‌دانند که از فارسی گرفته شده و به معنای شریعت و قانون است، و عده‌ای دیگر، دین را حسّ روحانی که نیک و بد را از هم تمیز می‌دهد، می‌دانند.^۶

از جمله مهم‌ترین سؤالات مطرح در زمینه‌ی دین شناسی، ارتباط اخلاق با دین است. با کمی تسامح، اگر دین را مجموعه‌ی عقاید و دستورات عملی بدانیم که از سوی آفریدگار جهان معین شده است، و اخلاق را مجموعه‌ی آموزه‌هایی بدانیم که راه و رسم چگونه زیستن را به نحو شایسته و صحیح تبیین می‌کند، به روشنی ارتباط دین و اخلاق نمایان می‌شود.

اخلاق، واژه‌ای عربی است که مفرد آن «خُلُق» و «خُلُق» است و در لغت به معنای «سجیه و سرشت»، اعم از سرشت پسندیده یا ناپسند، است.

- 1-Eckankar.
- 2-Osho.
- 3-Krishnamurti.
- 4-Satanism.

۵- جمعی از نویسندگان، فرهنگ و دین، ص ۲۰۲.

۶- افتخاری، اصغر و کمالی، علی اکبر، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، ص ۴۸.

گزینش این لفظ حاکی از آن است که فعل اخلاقی چیزی است که باید ریشه در درون داشته باشد و مظهري برای یکی از احساسات گران‌بهای درونی تلقی می‌گردد. «خُلِقَ» و «خُلِقَ» از یک ریشه‌اند، ولی یکی به صورت انسانی اشاره دارد و دیگری به سیرت او: خُلِقَ به صورت باطنی انسان و خُلِقَ به صورت ظاهری او اطلاق می‌شود و هر یک دارای صفات زیبا و زشت‌اند.^۱

اخلاق الهی و اخلاق سکولار

۱- نمود اخلاق در الاهیون

یکی از نکات اساسی و مورد تأکید ادیان، به‌ویژه اسلام، رعایت اخلاق و امور اخلاقی است. در بسیاری از آیات قرآن و احادیث اشاره شده است که واقعیت امر اخلاقی در حُسن فعل و یا قُبْح آن نهفته است و اصولاً مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر که یک وظیفه‌ی اسلامی است دعوت به یک رشته امور اخلاقی است که واقعیت آن را «معروف» و یا «منکر» بودن آن تشکیل می‌دهد. اخلاق متکی به مذهب، به گونه‌ای که عقاید مذهبی و اعتقاد به پاداش و کیفرهای روز بازپسین، مجرا و پشتوانه‌ی اصول اخلاقی باشند، راهی است که آیین‌های آسمانی و بالاخص آیین مقدس اسلام آن را انتخاب کرده و در طول چهارده قرن، نتایج درخشانی داشته است.

اعتقاد راسخ و استوار به خدایی که حکمران و داور روز بازپسین است، و در آن روز، پرونده‌ی اعمال انسان را می‌گشاید و حتی به این نیز اکتفا نمی‌کند، بلکه صورت واقعی کردارهای ما را به قدرت بی‌پایان خود به ما نشان داده، هر فردی را به پاداش و کیفر خود می‌رساند و ... بزرگ‌ترین پشتوانه‌ی اخلاق، و طبیعی‌ترین ضامن اجرای اصول انسانی

۱- قربانی، عسکر، چیستی اخلاق و فضایل اخلاقی، ص ۱۳۷.

است، و در حقیقت، گران‌بهاترین گنجینه و ارزنده‌ترین سرمایه‌ای است که از رهبران بزرگ آسمانی به یادگار مانده است و باید به عنوان یک میراث گران‌قیمت از آن حمایت کرد.^۱

در نظام اخلاقی اسلام به گرایش‌های فطری و غریزی توجه شده و در سایه‌ی تعدیل، از همه‌ی آن‌ها بهره گرفته شده است و آنان که محور ارزش را لذایذ نفسانی می‌دانند، به گونه‌ای در این تعدیل تحقق می‌پذیرند.

نظام اخلاقی اسلام، مطلق و پایدار، جهان شمول و فراگیر است؛ زیرا محور آن، کشش‌های درونی انسان و وحی است که هر دو فراگیرند. نظام اخلاقی اسلام، با ضمانت اجرایی همراه بوده و از مقوله‌ی توصیه، خالی و از هر نوع تحریک، پیراسته است.^۲

۲- اخلاق سکولار

اخلاق در نگاه غربی و غیر دینی، صورتی دیگر پیدا می‌کند. در یونان باستان و در غرب امروز، نظام‌های اخلاقی متعددی پی‌ریزی شده که به وسیله‌ی پایه‌گذاران آن‌ها، معرفی شده است.

بیشترین این نظام‌ها مربوط به دوران پس از رنسانس است. در این دوره، شیوه‌ی بحث و بررسی در علوم دگرگون شد، و سرانجام، پدیده‌ای به نام «سکولاریزم» و تفکیک دین از حکومت، یا به تعبیر صحیح‌تر «دین‌زدایی»، خود را مطرح کرد.

یکی از این نظام‌ها و مکاتب، مکتب اگزیستانسیالیسم است. از راسل یکی از دانشمندان معروف اروپایی که خود از بزرگان مکتب

۱- لقمان/۱۶، سبأ/۴ و زلزله / ۸، ۷.

۲- سبحانی، جعفر، اخلاق، ص ۱۳۲.

اگزستانسیالیسم است، سؤال شد خود به کدام یک از سیستم های اخلاقی مقید است: او در پاسخ گفت: «روش اخلاقی من، ایجاد هماهنگی بین منافع عمومی و خصوصی افراد اجتماع است.»^۱ یعنی تنها به اصولی از اخلاق قایلیم که در شعاع و حدود قانون باشد و نه بیشتر.

راسل اخلاق را به معنای قانون تلقی کرده، آن را تنها مربوط به زندگی اجتماعی و حقوق افراد و جوامع انسانی می داند و اخلاق فردی را نفی می کند. به نظر او، انسان در ارتکاب اموری که ضرر و صدمه ای به دیگران نمی رساند، آزاد است و لزومی ندارد که از آن ها خودداری کند؛ مثلاً لزومی ندارد که زنان عفت به خرج دهند و از معاشقه با غیر همسران خود در صورتی که تولید مثل نکنند خودداری نمایند.^۲

از دیگر فلاسفه ی مشهور غرب، فریدریش ویلهلم نیچه، فیلسوف آلمانی (در گذشت به سال ۱۹۰۰ میلادی) است. او در این باره می گوید:

«بحث این که زندگانی دنیا خوب است یا بد و حقیقت آن چیست، امری بیهوده است و کسی نمی تواند آن را دریابد. بعضی می گویند بهتر آن بود که به دنیا نمی آمدیم؛ شاید چنین باشد، نمی دانم؛ اما می دانم که خوب یا بد، به دنیا آمده ام و باید از دنیا بهره ببرم و هر چه بیشتر بهتر. آنچه برای حصول این مقصود مساعد باشد، خوب است، گرچه قساوت و بی رحمی باشد؛ و آنچه مخالف و مزاحم این غرض باشد بد است، هر چند راستی و قهرمانی و فضیلت و تقوا باشد.»

او می گوید:

«انسان باید فکر خدا و زندگی اخروی را کنار گذارد که از آن

۱- راسل، برتراند، جهانی که من می شناسم، ص ۵۶.

۲- همان، صص ۶۷، ۶۸.

ضعف و عجز بر می آید. انسان باید در فکر زندگی دنیا باشد و به خود اعتماد کند. این آغاز رهایی از بند است! دیگر آن که باید رأفت و رقت قلب را دور انداخت؛ رأفت از عجز است و فروتنی از فرومایگی.^۱ با این نگاه، قطعاً دیگر جایی برای اخلاق و رعایت اخلاقیات باقی نخواهد ماند.

– عرفان‌واره‌های نوظهور

جنبش‌های دانشجویی سال ۱۹۷۰م در آمریکا و اروپا، و درخواست جوانان و هم‌چنین زمزمه‌های بازگشت به معنویت و اخلاق، متفکرین غرب را بر آن داشت تا بر اساس همان دید «کشور برای قیصر، کلیسا برای پاپ»، معنویاتی تازه به جامعه تزریق کنند. این امر باعث حفظ کشور می‌شد. هم‌چنین می‌توانستند تشنگان حقیقت را به نحوی سیراب کنند. بر همین مبنا، به دنبال اخلاقی جایگزین گشتند تا در راستای هدف خودشان باشد؛ و چه اخلاقی بهتر از اخلاق سکولار که اساس و بنیان آن، جدایی دین از سیاست است.

از همین‌رو، کشورهای غربی به‌ویژه انگلیس، که سابقه‌ی چهار صد ساله در فرقه‌سازی دارد، شروع به وام‌گیری از معنویات شرق کردند تا پس از بازسازی، آن را دوباره به شرق صادر کنند. این مکاتب شرقی، با لعاب غربی، دارای دو ویژگی هستند: نخست این که خاستگاه آن‌ها یک نظام سکولاری است. دوم آن که اخلاق آن، یک اخلاق زمینی و گسسته از عالم بالا است؛ اخلاقی که در آن لذت، شهوت و خشنودی فرد، بر همه چیز حتی خداوند، مقدم می‌شود.

۱- فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، ج ۳، صص ۱۹۹-۲۰۰.

در این نوشتار، از میان مکاتب عرفانی - اخلاقی جدید، اخلاق را در مکاتب
اکنکار، اوشو، کریشنا مورتی، شیطان پرستی بررسی می کنیم.

اخلاق در مکتب اکنکار

- پیدایش مکتب اکنکار

اکنکار^۱ مکتبی است که توسط پال توئیچل^۲ در سال ۱۹۶۵م به جهان
معرفی شد.

پال در سال ۱۹۶۵م. کارگاه آموزشی سفر روح را در کالیفرنیا دایر
نمود و آموزش نامه‌های اکنکار را عرضه کرد.

مؤسسه‌ی اکنکار در سال ۱۹۷۰م. به عنوان مؤسسه‌ای غیرانتفاعی
تأسیس شد. پال در سال ۱۹۷۱م. در حالی درگذشت که عده‌ی بسیاری
را به وصل اک^۳ نایل کرده بود. در حال حاضر مرکز این مکتب در
ایالت سینه سوتاست. گفته شده که پال پس از بیست و پنج سال
پرورش، تحت نظر اساتیدی همچون فویی کوانترز و ربازار تارز،

۱- Eckan kar یا طریق معرفت کامل به معنای همکار شدن با خدا تعلیماتی در مورد نور و صوت
که خلاصه‌ای از تمام تعلیماتی است که از طرف خداوند نازل می‌شود؛ اساس تمامی علوم، و کلیدی
در راه کسب نیروهای معنوی؛ دانش باستانی سفر روح؛ انعکاس آگاهی درونی در طریق جهان‌های
پایین تا زمانی که فرد وارد مراتب والای جذبیه گردد، و احساس کند که تجربه‌ی روحانی کسب
کرده است. این چنین تجربه‌ای از طریق تمرینات معنوی که تنها پیروان اکنکار می‌شناسند،
دست‌یافتنی است.

۲- Pal twitchell sri ماهانتا، استاد حق در قید حیات اک، از سال ۱۹۶۵-۱۹۷۱م که سال ارتحال
او بود، با نوشتن کتب متعددی تعلیمات مُدرن اکنکار را به مردم جهان آموخت. دارای تألیفات و
نوشته‌ها و کنفرانس‌های متعددی است. او به عنوان بنیان‌گذار، زندگی و ایده‌های فراوانی را برای
هزاران نفر از پیروانش به ارمغان آورد.

3-eck.

استادان اک‌ اهل تبت، نخستین استاد حق در قید حیات (ماهانتا)^۱ از اهالی آمریکا شد.^۲

مکتب اکنکار، یک عرفان آمریکایی و از زیرشاخه‌های عرفان سرخ‌پوستی است، ولی رگه‌هایی از عرفان شرقی (هندویسم و بودیسم) در آن یافت می‌شود.^۳ این مکتب، تلفیقی از آموزه‌های انواع و اقسام ادیان (الهی و غیر الهی) است.

- رعایت اخلاق در فردیت و انزوا

اکیست‌ها، تأکید بسیار زیادی بر انزوا و دوری جستن از اجتماع دارند. در احوالات پال آمده که او اجتماع را دوست نداشت.^۴ یا این که گفته می‌شود در اکنکار هر کسی قصر منحصر به فرد خودش را می‌سازد.^۵ در قلمرو اکنکار آنچه هرگز مفقود نمی‌شود و از دست نمی‌رود، فردیت است.^۶ پال در جای دیگر، با تعریف و تمجید از استادان نظام ویراگی، اکیست‌ها را دعوت به کناره‌گیری از سیاست و مسایل اجتماعی می‌کند: استادان اک، عضو نظام برادری و ایراگی هستند.

واژه‌ی سانسکریت «ویراگ» به معنای غیر وابسته است. این استادان از امیال و خواسته‌های دنیوی رسته‌اند و تنها مأموریت آنان، هدایت روح

۱- mahanta ماهانتا همان استاد معنوی و معلمی است که کارش کمک کردن به تازه کارها در انجام تمرین سفر روح است.

۲- توییچل، پال، اکنکار کلید جهان‌های اسرار، ص ۱۵.

۳- مشهدیان، وهاب، اکنکار و عقیده‌ی جاهلی تناسخ، ص ۱۶.

۴- اکنکار حکمت باستانی برای عصر حاضر، ص ۲۰.

۵- توییچل، پال، پالچی، ص ۲۰۹.

۶- همان، ص ۱۴۹.

به سر چشمه‌ی الهی است. مسایل اجتماعی برای آنان جذائیتی ندارد غالباً از سیاست و سایر شاخص‌های دنیوی کناره می‌گیرند.^۱ بارهٔ اجتماع و غیر اخلاقی دانستن ورود به دنیا فضا را برای سردمداران و چپاول‌گران به خوبی باز می‌کنند.

- تهمت، دروغ، افترا در جهت پیشرفت مکتب

پال توییچل برای آن که مکتب خویش را در اندک زمان کوتاه شهره‌ی عالم کند از هر شیوه‌ای، چه مشروع و چه نامشروع، دریغ نکرده است؛ به سراغ تاریخ رفته و از نام بزرگان شهیر استفاده برده، و با تهمت و افترا از میان تمامی ادیان، بهترین‌ها را گل‌چین و به‌عنوان اکیست معرفی کرده است.

به پانصد سال قبل از میلاد برگشته، خود را شاگرد فیثاغورث و ایشان را از استادان اکنکار می‌داند.^۲

از پندار نیک، گفتار نیک، و کردار نیک زرتشت استفاده و او را اکیست می‌خواند.^۳ از بودا، مسیح، شوپنهاور، سخنانی به میان می‌آورد و با تأیید کلام این بزرگان، آنان را اکیست دانسته است.^۴ لائی تسی که در چین بیماران را شفا می‌داد،^۵ تولسی داس، شاعر و عارف قرن ۱۷م. جلال‌الدین رومی شاعر (مولانا)، عارف و حکیم پارس در قرن ۱۳ م. را از مشاهیر اک می‌خواند.^۶

۱- توییچل، پال، اکنکار حکمت باستانی برای عصر حاضر، ص ۲۵.

۲- توییچل، پال، ندای الهی، ص ۱۱.

۳- همان، ص ۶۹ و ۱۳۰.

۴- همان، ص ۱۲۹.

۵- توییچل، پال، اکنکار حکمت باستانی برای عصر حاضر، ص ۸۶.

۶- همان، ص ۵۲.

حافظ، شاعر قرن چهاردهم میلادی را پیرو اکنکار می‌داند. شمس تبریزی را از طرفداران پر و پا قرص اکنکار می‌داند، و در آخر، همه را یک‌جا مرید اکنکار، خود و مکتبش را مراد و عامل پیشرفت همه‌ی بزرگان تاریخ برمی‌شمارد.

پال می‌گوید که در این مدرسه، معلّمین بی‌شماری داشته است. از آن جمله: محمّد، عیسی، موسی، کنفوسیوس، بودا، کریشنا، زرتشت، سقراط، کپرنیک، مارتین لوتر، شکسپیر، امرسون، انیشتین ... و این فهرست پایانی ندارد. رشته‌های تحصیلی آنان در این مدرسه، از «اکیست» آغاز شده و تا مفهوم زندگی تعمیم می‌یابد.

- خرافی بودن اخلاق ادیان در اکنکار

از نظرگاه آنان، تمامی مذاهب از پنج عنصر اساسی تشکیل شده‌اند که عبارتند از:

- (۱) فرایض خرافی؛
 - (۲) فانتزی‌های عاطفی؛
 - (۳) مراسم آیینی؛
 - (۴) تفکّرات ماوراء الطبیعه؛
 - (۵) اصول اخلاقی (البته اخلاق را به‌عنوان ابزار جهت شست و شوی ذهنی افراد می‌دانند).^۱
- پال می‌گوید:

«خواندن هیچ‌یک از کتب آسمانی ما را حتّی یک قدم به خدا نزدیک‌تر نخواهد کرد.^۲ مذاهب با سرسختی به تشریفات ظاهری می‌پردازند.»^۳

۱- توییچل، پال، سرزمین‌های دور، ص ۳۷۶.

۲- توییچل، پال، دندان‌بیر، ص ۱۸.

۳- همان، ص ۱۹۰.

در جایی دیگر می گوید:

«تمام محتوای شگفت‌انگیزی که درباره‌ی ادیان شرقی و مکاتب اسرار یونان باستان و هم‌چنین مذاهب غربی گفته شده، زیر کوهی از خرافات، آیین‌ها و تشریفات مدفون شده تا ادیان بتوانند بقا یابند.»^۱

پال در مورد ادیان می گوید:

«همه‌ی ادیان از طریق قدرت تصور پیروانشان تأسیس می‌شوند. روحانیت این تصور را اختراع می‌کند و آن‌قدر در مقابل مردم نگه می‌دارد تا قبولش کنند و نیایش آن را بپذیرند.»^۲

در جایی دیگر می گوید:

«ظاهراً قرار است مذهب دوست بشر باشد، ولیکن تقریباً در تمام طول تاریخ، این دو با یک‌دیگر ستیز مرگ‌باری داشته‌اند.»^۳

پال درباره‌ی کتب آسمانی می گوید:

«کتب آسمانی پیامبران ادیان الهی، ساخته‌ی دست خودشان است. کتب آسمانی حاوی تجربیات درونی انبیا (بنیان‌گذاران ادیان، مانند بودا، کرشنا، مسیح، محمد و ...) است.»^۴

او درباره‌ی معجزات انبیا می گوید:

«تمام معجزات، چیزی به جز اعمال ذهنی نیستند؛ هنگامی که ذهن تحریک شده باشد، قابلیت انجام هر کاری را خواهد داشت، چه مخرب و چه سازنده.»^۵

- شروع فریب‌کاری و بی‌اخلاقی از خدا

برخلاف تمامی مکاتب ضدّ دین، مکتب اکنکار با استفاده از

۱- تویچل، پال، اک ویدیا، ص ۷۵.

۲- تویچل، پال، سرزمین‌های دور، ص ۶۶.

۳- همان، ص ۳۴۸.

۴- تویچل، پال، اکنکار کلید جهان‌های اسرار، ص ۲۳.

۵- همان، ص ۱۶۶.

پارامترهای دینی به جنگ دین آمده است. جزء لاینفک تمامی ادیان الهی اعتقاد به خداست. در مکتب اکنکار، مانند دیگر ادیان، اعتقاد به خدا وجود دارد، ولی به جای یک خدا به چند خدا قایل هستند؛ یک خدای مثبت و چندین خدای منفی. سرآمد خدایان مثبت «سوگماد»^۱ و منفی ترین خدا «کل نیرانجان» است.^۲

این دو خدا حقیقتاً دارای صفات خدا بوده، ولی حیطه‌ی عملکردشان، نیت خدایشان و نحوه‌ی افکارشان کاملاً با یکدیگر متفاوت است. به عبارت دیگر، سوگماد و کل نیرانجان دائماً با یکدیگر در حال جنگ هستند. کل نیرانجان، خالق جهان مادی و پروردگار هر چیزی است که درون آن قرار دارد. او پروردگاری است که تمام پیامبران قدیم از او در انجیل یاد کرده‌اند. هم‌چنین او «یهوه»ی یهودی‌ها، خدای مسیحیان و براهم ودانتیست‌ها و عملاً خدای تمام ادیان است.^۳

اکیست‌ها می‌گویند: آن خدای واحدی که همه‌ی ادیان الهی قبول داشته، فکر می‌کنند خدای متعال است تنها کل نیرانجان است که با حيله و نیرنگ، انسان‌ها را به پرستش خویش مشغول داشته است.

اکنکار پنج مسأله را موجب قدرت کل نیرانجان می‌داند:

(۱) تنهایی؛

(۲) مرگ؛

(۳) نومیدی؛

۱- Sugmad نام خداوند متعال در طریق اک.

۲- Niranjana kal قدرت منفی که جوهر خالص نیست؛ تجلیات مادی و اشکال را خلق می‌کند؛ وظیفه‌اش مشغول نگه داشتن روح در جهان‌های پایین است.

۳- همان، ص ۳۳۴.

(۴) ترس؛

(۵) اضطراب.

اکیست‌ها ابراز می‌دارند کسی که تمرینات معنوی اکنکار را اجرا نمی‌کند، به احتمال زیاد در دام قدرت گل نیرانجان خواهد افتاد. آن‌گاه به‌جای این‌که ابزار خدا واقع شود، به کانالی برای ظهور و حضور کل قدرت‌های شیطانی بدل می‌شود.

واکیست‌ها اعتقاد دارند که عالم یک زندان عظیم دارای سلول‌های بی‌شمار است و زندان‌بان این عالم گل نیرانجان است، اما خانه‌ی حقیقی جای دیگری است. کل میل ندارد به هیچ‌کدام از افراد تحت اختیارش اجازه دهد وارد جهان‌های معنوی شوند، همین‌طور، نمی‌خواهد که ما در کالبد نورانی خود به‌سوی خداشناسی سفر کنیم. کل ما را وادار می‌کند باور کنیم که اوضاع رو به بهبود است و به این منظور، قاصدان و اصلاح‌گران (پیامبران) اخلاقی، اجتماعی و سیاسی خود را طراحي و به‌طور مستمر به این دنیا گسیل می‌دارد؛ که دائماً در جهت درست کردن این جهان کوشش کنند.

پال در جای دیگری دست از خدایی گل نیرانجان برداشته و او را شیطان می‌خواند. او در این زمینه می‌گوید:

«ستیز روز افزون میان قدرت گل و قدرت اک در جهان‌های روانی که زیر طبقه‌ی روح قرار دارند، همیشگی است. این ستیز نتیجه‌ی بین خوب و زشت است. گل، بنا به مکتوبات مسیحیت و سایر ادیان، شیطان یا اهریمن است. او سلطان قدرت منفی است، و بر تخت خویش تأسیس گشته تا برای روح موانعی بیافریند و در نهایت، موجب آب‌دیده شدن و تکامل وی در دوره‌های تولد و مرگ در چرخ هشتاد و چهار شود.

به عبارت دیگر، جهان‌های تحتانی به مثابه‌ی کانون پرورش برای روح عمل می‌کنند تا روح در آن‌ها تحصیل کرده، بعد از فارغ‌التحصیلی

به جهان‌های بالاتر راه یابد. روح می‌تواند در مقام همکاری با خدا، خدمت خویش را آغاز کند.^۱

اخلاق در سیره‌ی اوشو

- اوشو عارف نام‌دار هندی

باگون راجینش اوشو، فیلسوف و عارف نام‌دار معاصر هند، در ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۱ میلادی در هندزاده شد و در ۱۹ ژانویه ۱۹۹۰ میلادی کالبد خاکی خود را ترک کرد. تحصیلاتش را در هند تا درجه‌ی استادی فلسفه ادامه داد و در سال ۱۹۵۳ میلادی [به پندار مریدانش] به نور حق مشرف و روشن‌ضمیر شد. از سال ۱۹۶۳ میلادی در اقصی نقاط هند به ایراد خطابه در زمینه‌های معنوی و عوالم روحانی پرداخت. پیروان بی‌شمار و سرسپردگان طریقتش که به‌عنوان «ساناسین» مشهورند، در مدت چهار ماه، اراضی کوه‌پایه‌های ایالت «اورگون» را خریداری و شهری بنا نهادند که به «راجینش پورام» مشهور و خار چشم دولت و سیاست‌مداران آمریکایی شد.

از اوشو قریب شش صد عنوان کتاب، هفت هزار ساعت نوار کاست و هزار و هفتصد سخنرانی ویدیویی باقی مانده است. آثار اوشو به اکثر زبان‌های زنده‌ی معاصر ترجمه، و پیروانش در اقصی نقاط جهان امروز گسترده شده‌اند.

- نگاه انسان‌مدارانه‌ی اوشو

پنج ویژگی امانیستی (انسان‌محور) در آیین اوشو به وضوح دیده می‌شود:

الف) محوریت انسان؛

۱- توییچل، پال، دفترچه‌ی معنوی، ص ۲۹۲.

- (ب) تأکید بر آزادی و اختیار انسان؛
(ج) اعتقاد به توانایی فوق‌العاده‌ی انسان؛
(د) طبیعت‌گرایی؛
(ه) مدارا.^۱

– اخلاق جنسی در عرفان اوشو

اوشو از عشق حرف می‌زند و آن را تا سرحدّ سکس تنزل می‌دهد. انسجام کانون خانواده را زیر سؤال برده، انسان را به عیش و خوشی لجام گسیخته دعوت می‌کند، اما تا کجا معلوم نیست! نظر اوشو در مورد روابط آزاد و به دور از معیارهای مذهبی در دهه‌ی نود مشکلات زیادی به بار آورد. در سال ۱۹۹۰ میلادی، آمار تکان دهنده‌ای از فرزندان متولد شده در خارج از چارچوب خانواده در کشورهای توسعه‌یافته منتشر شد. در ایالات متّحده با آن که کاتولیک مذهب بوده، حفظ نهاد خانواده از اولویّت‌های اصلی دولت و آن کلیساست و نیز با وجود همه‌ی آموزش‌های پیش‌گیری و آزادی سقط جنین، بیست و هشت درصد از کلّ موالید به‌طور نامشروع متولد می‌شوند. این رقم در کشورهای اسکاندیناوی به پنجاه درصد رسید.^۲

به خاطر جاذبه‌های شهوانی عرفان اوشو، روزبه‌روز بر جمعیت این فرقه افزوده شد، تا جایی که دولت آمریکا صلاح را بر آن دید تا از دست این استاد خودپرورده خلاص شود. ادّعا شده در پی بازداشت او در سال ۱۹۸۶ میلادی، در زندان ایالت اوکلاهما، یک منبع قدرت

۱- اوشو، اینک برکه‌ای کهن، ص ۱۱.

۲- اوشو، ضربان قلب حقیقت مطلق، ص ۴۰۶.

تشعشع رادیواکتیو را در تشک خواب اوشو پنهان کردند تا توانایی‌های عقلانی، قابلیت‌های گفتاری و سیستم دفاعی بدنش را نابود کنند. اوشو معتقد است عشق باید زمینی باشد. از نظر او، معشوقه در عرفان، یعنی مادی. او دنیایی بودن عشق را در تضاد با هوس‌ها نمی‌داند. وی می‌گوید: رسیدن به عشق، تنها از طریق قطب مخالف امکان‌پذیر است و میل مرد به زن یا زن به مرد شروع عشق است.

- روابط آزاد و ضد اخلاقی

او از زنان به‌عنوان الگویی که دارای استعداد زیادی برای رسیدن به اوج لذت جنسی به‌طور متوالی هستند، یاد می‌کند. رابطه‌ی دختر و پسر در عرفان اوشو آزاد است، و از آن به‌عنوان یکی از روش‌های مراقبه یاد می‌شود. دیدگاه اوشو درباره‌ی عشق بسیار زیاد متأثر از فروید و تا حدود زیادی از شاگرد فروید، «یونگ» است. بر این اساس، وقتی از عشق صحبت می‌کند منظورش همین عشق مجازی زمینی و رابطه‌ی زن و مرد است. اوشو تا جایی در شهوت‌رانی پیش می‌رود که در بقیه‌ی توصیه‌هایش - مثلاً مدیتیشن - مریدان را ترغیب به سکس می‌کند.

- هم‌جنس‌گرایی و اعمال غیر اخلاقی

پرداختن مفرط اوشو به این روابط نامشروع و به اصطلاح «عرفان»، یکی از دلایل محبوبیت مکتبش است. از جمله اقدامات مریدان او، راه‌اندازی رسمی و همراه با تبلیغات گسترده‌ی «اوشو پارک» است، که جذابیت زیادی برای گردش‌گران در هند ایجاد کرده است، هم‌چنین شعبه‌هایی از این پارک در دیگر کشورها تأسیس شده است. در این مکان‌ها نوعی زندگی زناشویی و جمعی، فارغ از قیود اخلاقی و قاعده‌مند ترویج می‌شود.

دیدگاه اوشو در مورد هم‌جنس‌گرایی جالب است، وی معتقد است این مسأله چیز مهمی نیست و هیچ اشتباهی در آن رخ نمی‌دهد. او در این باره می‌گوید:

«این ایده‌های اجتماعی است که چیزی را غلط یا درست می‌شمارد. خوب است اول آن را بپذیرید؛ چراکه در صورت رد آن نمی‌توانید آن را حل کنید؛ هرچه بیشتر آن را رد کنید، بیشتر جذب هم‌جنس خواهید شد، زیرا هر چیزی که ممنوع می‌شود جذابیت بیشتری می‌یابد و هم‌جنس‌گرایی یکی از مراحل ضروری رشد انسان، اعم از زن یا مرد است.»^۱

اخلاق در عرفان اوشو، یعنی آزادی و رهایی از قیود؛ انسان هرچه آزادتر، اخلاقی‌تر و عارفانه‌تر.

افکار اوشو بیشتر ترویج‌کننده‌ی یک هرج و مرج اخلاقی است. هرچه از دیدگاه عقل و شرع ادیان الهی ممنوع و ضد اخلاق فرض شده، در نظرگاه اوشو، نه تنها فعل غیراخلاقی نیست، بلکه با پرداختن مفرط به آن می‌توان نیاز را برآورده کرد و در پی حل آن برآمد.

کریشنا مورتی و پیشنهاد آزاد سازی - جیدو کریشنا مورتی

جیدو کریشنا مورتی عارف، روان‌شناس، متفکر، نویسنده و سخنران مشهور در سال ۱۸۹۶ میلادی در میان خانواده‌ای از برهمنان جنوب هند دیده به جهان گشود و در سال‌های نوجوانی به تحصیل خصوصی پرداخت. از دهه‌ی سوم قرن بیستم، سفرهای پیاپی خویش را به کشورهای گوناگون آغاز کرد و طی این سفرها در مقام آزاده‌ای اندیشمند به سخنرانی پرداخت. این سفرها تا پایان

۱- مشهدیان، وهاب، معنویت یا رهایی از معنویت، ص ۱۳۱.

زندگی پربار وی ادامه داشت و او تا واپسین دم نیز به کوشش خویش در راه آزادسازی درونی آدمی ادامه داد. هدف یگانه‌ی او همواره این بود که روان آدمی از بندهای درونی و برونی آزاد گردد. او می‌گفت که این آزادی تنها از راه دگرگونی کامل روان آدمی امکان‌پذیر است و هر کس توان آن را دارد که خود را نه در آینده‌ای مبهم، بلکه به گونه‌ای انقلابی دگرگون سازد.

- گرفتار شدن فرد به خویشتن

در مکتب مورتی، اولویتی در کار نیست؛ یعنی لازم نیست کسی نکات اخلاقی و یا پیشنهاد کسی را قبول کند، بلکه اوّل و آخر قبول مطلب خود فرد است.

کریشنا مورتی عنوان می‌دارد:

«گوینده‌ی این سخنان بر آن نیست که شما را نسبت به فلان موضوع متقاعد سازد تا فلان باور را به شما القا کند. او از شما نمی‌خواهد که دنباله‌رو او بشوید. او مرشد و مراد شما نیست. او مبلغ و مدافع نظام خاصی - مثلاً یک نظام فلسفی خاص - نیست، بلکه به‌عنوان دوستانی که چند سال است یک‌دیگر را می‌شناسیم، و علاقه و نگرانی‌مان صرفاً متوجه زندگی شخصی خودمان نیست، می‌خواهیم به اوضاع جهانی نگاه کنیم که رو به دیوانگی، آشفتگی و پریشانی می‌رود.»^۱

کریشنا مورتی می‌گوید:

«هیچ معلّم یا مرشدی^۲ وجود ندارد. فقط شما هستید؛ یعنی ارتباط شما با دیگران و جهان، هیچ چیز دیگری وجود ندارد. وقتی این را تشخیص دادید، یا دچار احساس حقارت می‌شوید که خود منجر به

۱- مورتی، کریشنا، شعله‌ی حضور و مدیتیشن، ص ۱۲.

ناامیدی و بدبینی می‌شود، یا با این حقیقت روبه‌رو می‌شوید که نه شما و نه هیچ‌کس دیگری مسئول جهان یا خودتان و آنچه فکر یا احساس می‌کنید و یا چگونگی رفتارتان نیست؛ در نتیجه، همه‌ی ترخّم شما خود به‌خود بی‌فایده است؛ زیرا آن‌هم شکلی از ترخّم به خود است.»^۱

- باور یعنی یک امر فردی

به نظر مورتی، باور صرفاً یک امر فردی است و ما نمی‌توانیم و نباید یک موضوع فردی را به صورت تشکیلات درآوریم. اگر چنین کنیم، از آن یک چیز مرده و بی‌روح ساخته‌ایم، از آن یک پدیده‌ی خشک و ایستا ساخته‌ایم، از آن یک مسلک و مشرب، یک فرقه ساخته‌ایم و آن را بر دیگران تحمیل کرده‌ایم. مورتی می‌گوید:

«بار دیگر این عقیده‌ی خود را تکرار می‌کنم که هیچ تشکیلاتی نمی‌تواند انسان را به سوی تعالی معنوی هدایت کند. اگر تشکیلاتی بدین منظور برقرار گردد، تبدیل به نوعی چوب زیر بغل و تکیه‌گاه می‌گردد؛ موجب تضعیف و وهن عزّت و آزادگی آدمیان می‌شود، بلکه موجب اسارت انسان‌ها شده و به‌طور اجتناب‌ناپذیری فرد را دچار فلج روحی و روانی گردانده، مانع رشد درونی او می‌شود.»^۲

- اخلاق نوین یعنی نفی ایمان

مورتی می‌گوید:

«صدها سال است که آدمی برنامه‌ریزی شده تا باور کند و ایمان داشته باشد و از آیین‌ها و جزم‌های ویژه‌ای پیروی کند، بنابراین،

۱- مورتی، کریشنا، رهایی از دانستگی، ص ۴۲.

۲- مورتی، کریشنا، تعالیم کریشنا مورتی، ص ۴۲.

مغزش همانند کامپیوتر شده است، منتها به علت محدودیت، از کار آیی آن برخوردار نیست. البته کامپیوتر هم اگرچه کران‌مند است، به این علت که خواهد توانست بسیار سریع‌تر بیندیشد، آدمی را از میدان به در خواهد ساخت.^۱

همه جا تقسیمات و اختلافات مذهبی و فرقه‌ای متعصّبانه از قبیل کاتولیک، پروتستان، هندو، بودایی و غیره وجود دارد. به عقیده‌ی کریشنا مورتی، هر آنچه درون پرستش‌گاه‌ها و کلیساها، از پیکره‌ها، نمادها و نگاره‌ها قرار دارد، آفریده‌ی ذهن است.

رهایی و آزادی ذهن

به عقیده‌ی کریشنا مورتی، برای آن که بتوان با ذهنی پویا زندگی کرد، باید خالی‌الذهن بود؛ تا بتوان به‌درستی تصمیم گرفت و ذهن سرزنده‌ای داشت. از نظر مورتی، بسیار مفید است که ما یک ذهن نقاد و پرسش‌گر داشته باشیم؛ ذهنی که چیزها را کورکورانه نمی‌پذیرد؛ ذهنی که بگوید ما نمی‌توانیم بیش از این به زندگی پرفلاکت و نکبت‌بار ادامه بدهیم؛ حیاتی چنین سیاه، ددمشانه، ظالمانه و خشونت‌آمیز. باید درباره‌ی زندگی تردید و سؤال کنیم، نه این که زندگی‌ای را بپذیریم که خود ما با این روال وحشتناک به مدت پنجاه یا شصت سال ادامه داده‌ایم، و نوع انسان هزاران سال ادامه داده‌اند.

مورتی، انسان را به یک توقف اساسی در زندگی و یا به تعبیر رساتر طغیان در برابر همه‌ی آنچه تا به حال بر انسان تحمیل شده است، دعوت می‌کند. مورتی می‌گوید: ذهن باید آزاد شده، کاملاً ساکت و آرام باشد، نه این که توسط آموزه‌هایی کنترل شود. هنگامی که ذهن

۱- مورتی، کریشنا، تار و پود اندیشه، ص ۱۴.

یک ذهن کاملاً آزاد باشد - یعنی پیرو مذاهب و ادیان متداول نباشد - قادر به تفحص در طبیعت و ماهیت حقیقت خواهد بود؛ و نه مراد و مرشدی که او را به سوی خود ببرد. تنها یک ذهن ساکت است، یک ذهن آزاد است که می تواند به چیزی ورای زمان دست یابد.^۱ از کلام مورتی برمی آید هنگامی که؛ ذهن گرفتار یک ایدئولوژی و یک عقیده است، یا هنگامی که در قالب تجربه ها و خاطرات گذشته ی خودش محصور است، نمی تواند آرام باشد.

نفی اخلاق در شیطان پرستی - ماهیت شیطان پرستان

شیطان پرستی جدید، برخلاف شیطان پرستی قدیم، اعتقادی به وجود شیطان خارجی ندارد، بلکه معتقد است شیطان، طبیعت و وجود هر انسانی را پر کرده، در باطن هر فردی وجود دارد. مراسم شیطان پرستی جدید، مراسمی است برای دعوت از شیطان باطنی و حس اهریمنی درونی که با اعمال جنسی آرام می گیرد و ارضا می شود. شیطان پرستان، جسم پرست بوده، اعتقاد دارند هر آنچه وجود دارد، مدیون آلت تناسلی آدمی است و انسان باید کامل ترین لذت جسمانی و جنسی را در این دنیا ببرد.

بسیاری نیچه را به عنوان پدر فرقه ی شیطان پرستی می دانند، به دلیل این که تفکر غالب و اصیل این فرقه، کشتن خداوند است.

اما واقعیت آن است که در اوایل قرن نوزدهم برخی از اشراف انگلستان که عضو گروه فراماسونری بودند، به رهبری سر فرانسیس داشو، گروه شیطان پرستان را با نام باشگاه آتش جهنم در شهر لندن

۱- مورتی، کریشنا، شعله ی حضور و مدیتیشن، ص ۳۸.

تأسیس کردند و از اوایل قرن نوزدهم شهر لندن مرکز شیطان پرستان در اروپا بوده است.

شیطان پرستان دارای ویژگی‌هایی هم‌چون گناه‌گرایی، قتل، تجاوزات جنسی، نابود کردن اصول اخلاقی، بی‌توجهی به مسایل توحیدی و ... هستند.

- ممنوع و حرام در شیطان پرستی وجود ندارد

شیطان پرستان بسیار فعالند و در اغلب کشورهای جهان دارای کلیسا هستند. تقریباً هر نوع حرکتی در ادیان الهی ممنوع و حرام دانسته شده، در این مکتب مباح و آزاد است؛ از خودکشی، قتل و تجاوز جنسی گرفته تا مصرف مواد مخدر و الکل.

آزادترین کشور برای انجام مراسم شیطان پرستی آلمان است که شنیع‌ترین اعمال در آن‌جا صورت می‌گیرد. شیطان پرستان دارای مراسم گوناگونی هستند که یکی از آن‌ها مراسم، «بوسه‌ی مقدس» است. این مراسم هنگام پیوستن عضو جدید به گروه شیطان پرستان صورت می‌گیرد؛ به این صورت که فرد جدید عریان شده، توسط کشیش بر پنج عضو او بوسه زده می‌شود؛ یکی از آن اعضاء، آلت تناسلی است. از دیگر مراسم، نماز جماعت سیاه است که به مراسم عشای ربانی مسیحیان شبیه است.

مراسم دیگر، قربانی کردن برای شیطان است و معمولاً خود قربانی از قبل بی‌هوش و پس از غسل در شبی تاریک، قربانی و سپس سوزانده می‌شود.

مراسم دیگر، دعای محراب است؛ به این صورت که فرد در یک محراب قرار گرفته، با کشیدن پارچه‌ای سیاه بر روی خود و استفاده از

علامت ستاره‌ی پنج پر و خواندن اورادی، به نیایش و کسب قدرت از شیطان مشغول می‌شود.^۱

- گذری بر چند اصل ضد اخلاقی شیطان پرستان

نه اصل عقیدتی، مشخص کننده‌ی چارچوب نگاه شیطان پرستان است. نمونه‌ای از این اصول به این قرار است:

الف) شیطان، نماد وجود، زندگی شاداب و مادی است، نه یک رؤیای ناچیز معنوی؛ امور معنوی و غیر مادی توهم و تظاهر است.

ب) شیطان می‌گوید: کم‌عقلی و بی‌عفتی بهتر از ریاکاری و خودفریبی است.

ج) شیطان، سبیل انتقام‌جویی است، نه برگرداندن آن طرف صورت (اشاره به رفتار محبت‌آمیز مسیحیان).

د) شیطان، انسان را با دیگر حیوانات کاملاً همانند می‌داند، گاه بهتر و اغلب بدتر از آن حیوانی که بر چهار دست و پا راه می‌رود.

ی) شیطان، تمام آن‌چه گناه نامیده شده را مایه‌ی خرسندی، مسرت‌روانی، آرامش فکری و عاطفی می‌داند.^۲

در برخی منابع به یازده و برخی دیگر بیست قانون برای شیطان پرستان اشاره شده است. در این جا به ذکر چند قانون بسنده می‌کنیم:

الف) اگر مهمانی در محل استراحت توست و تو را می‌رنجاند، او را مورد ستم خویش قرار ده.

ب) به هیچ حیوانی غیر انسان صدمه نزن، مگر برای غذا یا دفع حمله‌اش.

۱- کریمی، حمید، جهان تاریک، ص ۴۶.

- (ب) شادی را در پیروزی بجوی و نه در صلح.
 (ت) همواره برای بیشتر تلاش کن؛ پیروزی، پایانی ندارد.
 (ج) بمیر، به جای آن که تسلیم شوی.
 (ر) خون یک جاندار، بهترین است، از برای آبیاری دانه‌های یک زندگی جدید.
 (د) هیچ چیز زیبا نیست به جز انسان، ولی زن، زیباترین موجود در جهان است.
 (ی) هر آن چیز که عظیم است، بر فراز اندوه بنا شده است.^۱

– تأثیر موسیقی در شیطانی کردن اخلاق مریدان

پایه‌گذاران شیطان‌پرستی، افرادی غیر عادی، هم‌جنس‌باز، اهل شهوت‌رانی افراطی و سایر زشتی‌ها هستند که حتی رفتارهای آن‌ها در انگلیس و کشورهای غربی نیز مورد اعتراض و نفی قرار گرفته است.^۲ شاعران و خوانندگان شیطان‌پرست، با گزینش کلمات و کمک گرفتن از آلات موسیقی مهیج، سعی در القای واژگان کلیدی این مکتب در ذهن و ضمیر ناخودآگاه شنوندگان، دارند.

خوانندگان متال و راک، مدام در آهنگ‌های خود این واژه‌ها را به کار می‌برند:

«به جهنم خوش آمدید»، «سرودی از جهنم»، «محکوم به جهنم»، «در جهنم بسوز»، «شاهزادگان جهنم»، «نگهبان جهنم»، «می‌خواهم به جهنم بروم»، «زنگ‌های جهنم ...»^۳

1- www. xekiaz 1000. blog. Com.

۲- کریمی، حمید، جهان تاریک، ص ۵۷.

۳- مشهدیان، وهاب، معنویت منهای معنویت، ص ۱۲۵.

در بررسی روزنامه‌ها و رسانه‌ها، می‌توان نمونه‌ی جنایات و خودکشی فزاینده‌ی شنوندگان و بینندگان این کنسرت‌ها را به‌صورت نمودار غیرعادی کشتار، تجاوز به عنف و استفاده‌ی مرگ‌آور از مواد مخدر مشاهده کرد. میانگین خودکشی یا صدمه رساندن شدید به خود برای گروه شیطان‌پرست پینک فلوید، به پانزده تا بیست نفر بعد از هر کنسرت می‌رسد. مرگ‌های زود هنگام، خودکشی، قتل، مصرف مواد مخدر، زنا و ... فرجام موسیقی پاپ، راک و هوی متال است.^۱

- ذکر سه نکته‌ی اخلاقی

در این مکتب، چند نکته‌ی اخلاقی به مریدان تفهیم می‌شود که از همان ابتدا رعایت آن‌ها مهم می‌نماید:

الف) یک شیطان‌پرست باید بداند که اساس عالم بر پایه‌ی دروغ شکل گرفته و همه‌ی باورهای انسان‌ها ریشه در دروغ دارد. بنابراین، نمی‌توان راست گفت، اگر هم حرف راست بزنید، کسی سخن شما را باور نمی‌کند. در شیطان‌پرستی هر چیز، منفی‌اش درست است. هرکسی را گفتند، آدم خوبی است، او بدترین انسان است. بهترین کار، بدترین آن، نزد مردم است.

ب) در شیطان‌پرستی یک قانون کلی وجود دارد: «دیدن»؛ فقط نگاه کن، بدون تعقل؛ به درستی و نادرستی اعمال توجهی نکن؛ هرچه پیشوایان انجام دادند درست است؛ فقط تکرار کن و نه تعقل؛ لازم نیست به حق و حقیقت اعمال دست پیدا کنی؛ فقط به خودت نگاه کن و هرچه را که خوش می‌آید عمل کن.

ج) شیطان‌پرست‌ها در پی راه‌اندازی اخلاقی جدید برای جهنمیان

۱- همان، ص ۱۳۰.

هستند و آن اخلاق قوم لوط است. اعمال زشت قوم لوط را مرتکب شده، روزبه‌روز هم‌جنس‌خواهی بی‌سابقه‌ای را ترویج می‌کنند. با تلاش و پی‌گیری آن‌ها ازدواج هم‌جنس‌گرایان در اکثر کشورهای آزاد به صورت قانون در آمده است.^۱

جمع‌بندی

در این اوراق کوتاه در پی آن بودیم تا در قالب مقایسه‌ای کوتاه، بین اخلاق مکاتب عرفانی جدید و اخلاق در دین اسلام، نشان دهیم متأسفانه اکثر مکاتب جدید، درون‌مایه‌های اخلاقی را فراموش کرده‌اند و به اخلاقی غیر از اخلاق موجه، دست می‌یازند؛ اخلاقی که در آن بی‌اخلاقی تبلیغ و خود یک اخلاق حسنه محسوب می‌شود. گزینش این چهار مکتب از این‌رو بود که از مکاتب انحرافی دیگر موق‌تر بوده و متأسفانه در تمام جهان و پس از آن در کشور ما - ایران - نسبت به مکاتب دیگر در جذب جوانان به سوی خودشان کام‌یاب‌تر بوده‌اند.

متأسفانه در مکاتب عرفانی جدید، پرداختن به مقوله‌هایی نظیر سکس، مواد مخدر، موسیقی و الکل به وفور یافت می‌شود. دقیقاً همان نکاتی که در اکثر ادیان الهی یک تابو فرض شده و باید با دقت و تحت شرایط خاصی به آن‌ها نزدیک شد، در عرفان‌واره‌های جدید، حرمت شکسته شده و با صحنه گذاشتن بر آن و ایجاد جذائیت، جوانان را به سوی آن‌ها سوق داده، بر مریدان خویش روزبه‌روز می‌افزایند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. جمعی از نویسندگان، فرهنگ و دین، ترجمه و زیر نظر: خرمشاهی، بهاءالدین، چاپ اول، تهران: مؤسسه‌ی طرح نو، ۱۳۷۴ ش.
۳. افتخاری، اصغر و کمالی، علی اکبر، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۴. راسل، برتراند، جهانی که من می‌شناسم، ترجمه: عباسی، روح الله، چاپ چهارم، تهران: سپهر، ۱۳۴۶ ش.
۵. فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، چاپ چهارم، تهران: نشر البرز، ۱۳۸۳ ش.
۶. توییچل، پال، انکار کلید جهان‌های اسرار، ترجمه: اهرپور، هوشنگ، تهران: نشر زرین، ۱۳۷۹ ش.
۷. کدامر، تا دو داگلاس منسون، انکار حکمت باستانی برای عصر حاضر، ترجمه: جلالیان، مهیار، تهران: ناشر نور و صوت ایساتیس، ۱۳۸۰ ش.
۸. سیمپسون، پتی، پالچی، ترجمه: البرزی، مریم، چاپ اول، تهران: نشر دنیای کتاب، ۱۳۷۷ ش.
۹. توییچل، پال، ندای الهی، ترجمه: جعفری، رضا، چاپ دوم، تهران: نشر دنیای کتاب، ۱۳۷۷ ش.
۱۰. توییچل، پال، سرزمین‌های دور، ترجمه: اهرپور، هوشنگ، چاپ اول، تهران: نشر زرین، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. توییچل، پال، دندان‌بیر، ترجمه: اهرپور، هوشنگ، چاپ چهارم، تهران: نشر زرین، ۱۳۸۰ ش.

۱۲. توییچل، پال، اک- ویدیا (دانش باستانی پیامبری). ترجمه: اهرپور، هوشنگ، چاپ دوم، تهران: نشر زرین. ۱۳۸۰ش.
۱۳. اوشو، اینک برکه ای کهن. ترجمه: سعدوندیان، سیروس، تهران: انتشارات نگارستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
۱۴. اوشو، ضربان قلب حقیقت مطلق، ترجمه: شنکایی، مرضیه، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۱ش.
۱۵. مورتی، کریشنا، شعله‌ی حضور و مدیتیشن، ترجمه: مصفا، محمد جعفر، چ دوم، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۵ش.
۱۶. مورتی، کریشنا، رهایی از دانستگی، ترجمه: لسانی، مرسده، تهران، نشر بهنام، چ اول، ۱۳۸۲ش.
۱۷. مورتی، کریشنا، تعالیم کریشنا مورتی، ترجمه: مصفا، محمد جعفر، چ اول، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۳ش.
۱۸. مورتی، کریشنا، تار و پود اندیشه، ترجمه: ملک زاده، رضا، چ اول، تهران: نشر میترا، ۱۳۷۶ش.
۱۹. مورتی، کریشنا، شعله‌ی حضور و مدیتیشن، ترجمه: مصفا، محمد جعفر، چ دوم، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۵ش.
۲۰. کریمی، حمید، جهان تاریک، چاپ اول، قم: ناشر بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.

مقالات:

- قربانی، عسکر، «چیستی اخلاق و فضایل اخلاقی»، در: فصل‌نامه‌ی اخلاق، شماره‌ی ۱۱، سال ۱۳۸۷ش.
- سبحانی، جعفر، «اخلاق»، فصل‌نامه کلام اسلامی، شماره‌ی ۳۳، سال ۱۳۷۹ش.

- مشهدیان، وهاب، «معنویت یا رهایی از معنویت»، فصل‌نامه آیین سلوک، شماره‌ی ۱۸، ۱۳۸۸ ش.
- مشهدیان، وهاب، «اکنکار و عقیده‌ی جاهلی تناسخ»، نگاه حوزه، شماره‌ی ۲۸۹، سال ۱۳۸۹ ش.

سایت‌ها:

- www. Satanc 8 . blog fa. Com
-www. xekiaz 1000. blog. Com

